

گفتار دوم

□□□

اماکن زیارتی غیر مستند

چنان که گفته شد، زائران عتبات عالیات در سفرزیارتی خود علاوه بر حرم های مطهر امامان معصوم (علیهم السلام) از اماکنی بازدید و آنها را زیارت می کنند که برخی از آنها فاقد ریشه و سند معتبر بوده و برخی درعین مثبت و مستند بودن در حاله ای از عقاید خرافی و باورهای نامعقول گرفتار شده اند و این پیرایه های خرافه آمیز، سیمای زیبای این آثار و پدیده ها را نیز زشت و مشوه جلوه می دهد. در این بخش این اماکن را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. خانه امام علی (ع)

در این که امام علی (علیه السلام) در اواخر عمر شریفشان به مدت چهار سال و چند ماه عهده دار خلافت ظاهری بوده اند

و مرکز حکومت ایشان در کوفه بوده و به یقین در خانه ای سکونت داشته اند، تردیدی نیست ولی این که محل سکونت ایشان در کجای کوفه بوده، بیرون یا درون دار الاماره، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ چون به هر حال این احتمال وجود دارد، که محل فعلی در مجاورت کاخ دار الاماره کوفه، خانه آن حضرت باشد و نیز با توجه به شهرت این محل به عنوان خانه امام، ما نیز آن را رد نمی‌کنیم. ولی تقسیمات درون این خانه قطعاً با روحیات ایشان سازگاری ندارد و ساخته و پرداخته ذهن کسانی است که در سال‌های آخر حکومت صدّام آن را بازسازی کرده اند؛ به عنوان مثال اختصاص مکانی به عنوان مکتب الحسینین (علیهما السلام) در این خانه، فاقد هرگونه توجیه عقلایی است. اعتقاد متقن شیعی ما این است که آن دو بزرگوار امام بوده اند و علم لدنی داشته‌اند و نیازی به تعلّم و فراگیری نداشته‌اند. علاوه بر این در زمان حاکمیت پدرشان در کوفه یعنی بین پنجاه و هشت سالگی تا شصت و سه سالگی از عمر آن حضرت، این دو بزرگوار نیز مردانی سی، چهل ساله و دارای شخصیت و زندگی مستقل بوده اند و داشتن چنین مکتبی در خانه پدرشان برای آن دو بزرگوار قابل توجیه نیست. برخی کوشیده اند، با ترجمه کلمه مکتب به معنی محلّ تدریس یا دفتر کار، مشکل را حل کنند اما قابل پذیرش نیست؛ زیرا چگونه اتاقی به این کوچکی آن هم درون خانه مسکونی امام و در کنار خانواده آن حضرت می‌توانسته است، محلّ تدریس یا دفتر کار اداری آن هم برای دو نفر باشد. در این صورت تردّد

شاگردان یا ارباب رجوع به درون خانه شخصی امام چگونه قابل توجیه است؟ گرفتن مکتب به معنای مکتبه یعنی کتابخانه هم درست نیست؛ چون امام مستغنی از داشتن کتابخانه و مراجعه به کتاب است.

از این‌ها گذشته، نماز هایی که برای قسمت های مختلف این خانه تشریح و ابداع کرده‌اند، مثل نماز مکتب الحسین یا نماز چاه امیرالمؤمنین یا نماز مغتسل امیرالمؤمنین یا نماز اتاق حضرت زینب و ام البنین فاقد وجاهت و ریشه درست و مستند بوده و موجب وهن شیعه است؛ مگر آن که به زائران تفهیم شود، در این فرصت‌ها، نمازهای مأثوری از قبیل نماز هدیه به امام علیه السلام یا نماز حاجت یا نمازهای اداء و قضای یومیه به جا آورند.

از نمازهای ساختگی هم که بگذریم روزانه (در زمان تدوین این سطور) حدود هشت هزار نفر زائر وارد عراق می‌شوند و جمع زیادی از مردم عراق هم هر روز به این محل می‌آیند و همگی مقیدند از این خانه بازدید کنند یعنی از راهروهای تنگ آن عبور و در هر یک از اتاق‌ها و زوایای این خانه نماز بگذارند و طبعاً زن و مرد نامحرم به یکدیگر برخورد می‌کنند که این تلاقی نامحرم به یکدیگر، خلاف شرع آشکار بوده و به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

۲. میزاب رحمت (ناودان طلای حضرت علی(ع))

درون صحن امام علی(ع) و در سمت قبله حرم مطهر ناودان طلایی وجود دارد که در سال‌های اخیر شهرت فراوان یافته است. ایرانی‌ها در وقت مشایعت به هم سفارش می‌کنند که هنگام تشرّف به نجف زیر ناودان طلای حضرت علی(ع) برایم نماز بخوان یا برایم دعا کن! گاهی هم اطراف حرم، زائران سرگردانی را می‌بینید، که از شما سراغ ناودان طلا را می‌گیرند. عرب‌ها به این ناودان میزاب رحمت می‌گویند. این ناودان که کم‌کم شهرتش فزونی یافته و شانه به شانه ناودان طلای کعبه می‌زند، از هدایای نادرشاه افشار به حرم امام علی(ع) است که در سال ۱۱۵۶ هـ ق به زیارت حضرت مشرف شده و گنبد و گلدسته‌ها و ایوان حرم را طلاکاری کرده است. این طلاها اکنون متعلق به حرم مطهر و از اموال آستان مقدس علوی است، ولی چنان که می‌دانید، امام علی(ع) ارادتی به طلا نداشته و عبارت تکان دهنده «یا صفراء یا بیضاء غرّی غیری»^۱ یعنی ای زرد و ای سفید! غیر مرا فریب دهید! از بیانات امیر مؤمنان (ع) است بنا بر این تأکید بر نماز یا دعا در زیر این ناودان هم از همان بافته‌های عوامانه است که اصل و ریشه قابل توجیهی ندارد.

۱. بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۱، جلد ۳۹، ص ۶۹

۳. عتبه حرم‌ها

عتبه به معنای آستانه یا قسمت پایین چارچوب در ورودی است. در سیره بزرگان و علما دیده شده که برخی به هنگام ورود به حرم‌ها زانو بر زمین نهاده و عتبه حرم را بوسیده‌اند. چنان که برخی نیز دیگران را از این کار منع کرده‌اند. نگارنده در حدّ خود نمی‌بیند که بگوید، عتبه حرم‌ها را تأدّباً بوسید یا نبوسید. از فرزانه‌ای پرسیدند در شعر حافظ (ره) عبارت کشتی شکستگانیم درست است یا عبارت کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز؛ باشد که باز بینیم دیدار آشنا را؟ فرمود:

بعضی نشسته خوانند، برخی شکسته دانند

چون نیست خواجه حافظ، معذور دار ما را

لیکن اگر بنا دارید، هنگام تشرّف عتبه حرم را از روی ادب بوسید، شایسته است، پیش از آن، زائران همراه را توجیه کنید تا به گمان آن که شما به سجده افتاده اید، امام را سجده نکنند، که این کار علاوه بر این که ممکن است، آنان را تا سر حدّ شرک و کفر و سجده بر غیر خدا پایین بیاورد، ابزار مساعدی نیز برای هتک حیثیت شیعیان در گستره جهان فراهم سازد. بدخواهانی که شیعه را به شرک و کفر متهم می‌کنند، به این قبیل صحنه‌ها استناد خواهند کرد و می‌گویند، اینان مشرک اند. بنگرید که چگونه دسته جمعی، امامان خود را سجده می‌کنند!

۴. باغ امام صادق(ع)

در کربلا باغی موسوم به باغ امام صادق (علیه السلام) است که مالک فعلی در آن بنایی احداث کرده و ضریحی تعبیه کرده است. مالک این باغ مکرر از بلندگو اعلام می‌کند که اینجا باغ امام صادق (علیه السلام) است و من هم خادم این باغ هستم. دو رکعت نماز بخوانید و وجوه خود را در این ضریح بریزید. گاه و بیگاه خرمایی هم به بعضی تعارف می‌کند که این خرمای متبرک باغ امام صادق(ع) است و

اگر همه پیشینه و تاریخ آن را که بررسی کنید به این نتیجه می‌رسید که شنیده‌ها می‌گویند هر وقت امام صادق(ع) به کربلا می‌آمده‌اند، در این باغ استراحت می‌کرده‌اند یا سکنی می‌گزیده‌اند. اولاً عبارت شنیده‌ها می‌گویند چه قدر می‌تواند اطمینان‌بخش باشد؟ ثانیاً آن ضریح و آن نماز و آن خرمای متبرک مستندشان کجاست؟ ثالثاً مگر نه این است که امام صادق(ع) برای زیارت جدّشان به کربلا آمده‌اند و گرنه مدینه کجا و کربلا کجا؟! اگر بپذیریم که هدف آن حضرت زیارت امام حسین (علیه السلام) بوده، چگونه ما زائری را که فقط دو روز در کربلاست؛ آن هم بعد از سی سال انتظار و آرزو و این همه سرمایه گذاری و این همه خطرات و مشکلات و... از کنار حرم امام حسین (علیه السلام) با پای پیاده به این باغ می‌آوریم و برمی‌گردانیم و او هم در بین راه کلی اجناس بی کیفیت چینی از قبیل پتو و اسباب بازی و غیره می‌خرد و خسته و رنجور

وقتی کنار حرم می‌رسد و به او پیشنهاد زیارت حرم را می‌دهی، سرش را پایین می‌اندازد و اظهار می‌دارد، خسته شده‌ام و این اجناس همراه را هم باید به هتل ببرم. و بدین گونه توفیق زیارت از آنان سلب می‌شود.

نتیجه این که متأسفانه این آدرس‌های غلط و این شاخه‌های فرعی در اطراف حرم امام حسین(ع) و حضرت ابالفضل(ع) کار زائران ما را به جایی رسانده است که در مدت اقامت زائران در کربلا یکی دو بار به حرم امام حسین(ع) و یک بار نیز به حرم ابالفضل(ع) می‌روند و باقی وقتشان صرف همین شاخه‌های فرعی می‌شود. مرتب از بیرون حرم به این دو بزرگوار تعظیمی می‌کنند، به یکی از کوچه و خیابان‌های اطراف می‌روند تا فلان جا را زیارت کند.

۵. مقام شیر فضّه

از جاهای دیگری که در این چند سال وقت زائران صرف بازدید از آنها می‌شده است، بازدید از مقام شیر فضّه است و خلاصه قصّه آن چنین است که جناب فضّه کنیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) - که اصل حضور او در حادثه عاشورا محل تردید است - در عصر عاشورا اعجازی فرموده و شیری را که نزدیک کربلا می‌زیسته به کربلا آورده است. نخستین پرسشی که فوراً به ذهن انسان خطور می‌کند، این است که علت احضار

این شیر در کربلا چه بوده است؟ و جوابی که می‌شنود، این که یا برای حفاظت از پیکر بر خاک افتاده شهدا و یا برای حراست از اسرای عظیم‌القدر که بعد از شهادت امام حسین(ع) گرفتار دشمن شدند، این شیر به اعجاز فضه خاتون در کربلا حضور یافته و جالب این است که این شیر بی هنرهیچ یک از این دو کار مهم را انجام نداده است؛ یعنی نه اجساد شهدا را حفاظت کرده (چون همه می‌دانیم که آن پیکرهای مطهر را زیر سم اسبان لگدکوب کردند) و نه اسرا را حراست نموده است؛ زیرا در تاریخ مسلم شده است که خیمه‌ها را آتش زدند و اموال بانوان حرم را غارت کردند؛ حتی خلخال از پاها کشیدند و برای رسیدن به گوشواره گوش‌های دخترکان یتیم را دریدند و زن و بچه‌های اسیر را در بیابان آواره و پراکنده ساختند و بهترین دلیل بر کذب این روایت این است که به عنوان مثال، هیچ کس از آن سی هزار نفری که در کربلا جمع شده بودند، نگفتند و حتی یک مورد در تاریخ نیامده است، که وقتی خواستم به فلان خیمه یورش ببرم، ناگهان شیری به من حمله کرد و ما را از این کار باز داشت. ممکن است کسی بگوید که در فلان کتاب معتبر به قصه شیر فضه اشاره شده است. پاسخ روشن است. همان که گفتیم اگر بود یک نفر او را می‌دید. لیکن از این گذشته همه می‌دانیم که روایات ما ظنی الصدور هستند. به فرض این که چنین مطلبی در کتابی آمده باشد. چه ضرورتی دارد که ما هر چه را در کتابی دیدیم آن را برای زائر عوامی که فقط دو روز می‌خواهد مولایش امام حسین(ع) را با خیالی آسوده

زیارت کند و بازگردد، تعریف کنیم و وقت گرانبهای او را صرف بازدید از چنین اماکنی کنیم و با افزودن کلی شبهه به ذهن و فکرش او را روانه وطن سازیم؟ آیا این کار منصفانه است؟ آیا موضوع امام حسین(ع) و حقایق قصه کربلا آن اندازه سست و بی پایه است که این جناب شیر آن هم نه با اراده خود آن حضرت یا امام سجاد(ع) یا حضرت زینب کبری(س) که به برکت جناب فضه خادمه، بخواهد آن را به اثبات برساند؟

۶. مقام احتجاج

مقام احتجاج نقطه ای است که می گویند امام حسین(ع) با عمر سعد در آن جا جلسه ای داشته اند. صرف نظر از این که معلوم نیست محل آن جلسه دقیقاً همین جا باشد؛ بازهم سخن این است، که آنچه مربوط به امام حسین(ع) است که با وجود قبر مطهر آن حضرت و ضریح و حرم بارگاه و گنبد و صحن و ... بحمدالله حاصل است. باقی می ماند عمر سعد و محل نشستن او. آیا این پلید و محل نشستنش آن اندازه اهمیت دارد که زائر، زیارت امام حسین(ع) را ترک کند و به زیارت یا بازدید از آن برود؟

۷. نهر علقمه

در کربلای کنونی محل دقیق نهر علقمه مشخص نیست و کسی هم مدّعی آن نیست. در این یک هزار و چند صد سال به اندازه‌ای ساخت و ساز و تخریب و جا به جایی در کربلا صورت گرفته است که هیچ نمی‌توان معین کرد، حضرت ابالفضل علیه السلام به طور دقیق برای آوردن آب به کجا رفته است و از کجا آب آورده است؟ آبی که اکنون در بین راه باغ امام صادق(ع) و در کنار مقام امام زمان(ع) جاری است، نهر الحسینی نام دارد و از محله‌ای به نام الحسینی در حدود پانزده کیلومتری کربلا از فرات اصلی منشعب شده است، تا زمین‌های زراعی بین راه خود را سیراب سازد و اکنون به خاطر ازدیاد جمعیت و افزایش مصرف آب در کربلا و بالآ آمدن سطح آب‌های زیرزمینی، فاضلاب هتل‌ها و خانه‌های اطراف این نهر بر آن مسلط شده و در آن می‌ریزد تا با عبور از کنار کربلا یا صرف زراعت شود و یا پسمانده آن دو باره به فرات اصلی ملحق گردد. اگر در تابستان سابقه تشرّف داشته باشید، بوی تعفّنی را که از این آب در فضا متصاعد می‌شود، استشمام کرده‌اید. با این وجود پلکان سیمانی وسیعی که بر حاشیه این نهر ساخته‌اند، مورد استفاده اکثر کاروان‌هاست. مبلغان به جای آنکه زائر را به صحن مطهّر حضرت ابالفضل ببرند و مرثیه شهادت آن بزرگوار را برای ایشان بخوانند، آنها را برای ذکر مصیبت کنار این آب آورده و روی این پلکان سیمانی می‌نشانند

و اگر هیچ اشاره‌ای هم نکنند، خود به خود در ذهن زائران چنین تداعی می‌شود، که حضرت ابوالفضل العباس (ع) برای آوردن آب به این محل آمده است و

لازم به یادآوری است که اگر در مفاتیح الجنان دیده‌اید، که مرحوم شیخ عباس قمی اصرار می‌ورزد که برای غسل زیارت از آب فرات استفاده کنند یا شنیده‌اید، که جابر بن عبدالله انصاری وقتی برای زیارت امام حسین (علیه السلام) در اربعین اول آن حضرت به کربلا آمد، در آب فرات غسل کرد و آن گاه به زیارت آن حضرت نایل شد؛ باید توجه کنید که در زمان جابر آب مثل امروز آلوده نبود و در زمان شیخ عباس نیز در کربلا آب لوله کشی وجود نداشت و مردم از آب چاه استفاده می‌کردند. شیخ عباس به استناد روایتی که در بیان شرافت آب فرات رسیده، اصرار می‌کند، که زائر در آب فرات غسل کند. لیکن امروز آن چاه‌های قدیم بسته شده و آب مصرفی عموم مردم کربلا و حتی نجف و آبادی‌های اطراف آن‌ها از آب فرات است و مردم آبی جز آب فرات برای مصارف روزمره خود ندارند. همین آب فرات را تصفیه می‌کنند و از طریق لوله در هتل‌ها در اختیار شما هم قرار می‌دهند. بنا بر این اگر زائر نذر هم کرده باشد که در آب فرات غسل کند وقتی در حمام هتل غسل کرد، به نذرش عمل کرده و ذمه اش بری شده است.

۸. خیمه حضرت قاسم

خیمه‌گاه فضای مثبتی است. بازسازی شده، مفروش و مزین با فضای روباز و سر پوشیده و برای برگزاری مراسم دعا، توسل، سخنرانی و مداحی آماده است. لیکن در گوشه ای از این فضا، خیمه حضرت قاسم بنا شده که این امر موجب شده است، برخی داستان عروسی حضرت قاسم را که ریشه معتبری ندارد، مطرح کنند و اظهار دارند که شب عاشورا اگر امام حسین (ع) از دشمن مهلت خواست و جنگ را یک شب به عقب انداخت، برای اجرای مراسم عروسی قاسم بوده است. ما در تاریخ خوانده و در منابع گفته و شنیده‌ایم که عصر تاسوعا وقتی عمر سعد خواست جنگ را شروع کند، امام حسین (ع) به برادرش ابوالفضل (ع) فرمود: برادرم! من از مرگ و جنگ واهمه‌ای ندارم ولی به نماز و تلاوت قرآن علاقه‌مندم. با اینان سخن بگو و اگر می‌توانی یک امشب را برایم مهلت بگیر تا به نماز و تلاوت بپردازم. نیمه شب هم وقتی جاسوس عمر سعد از اطراف خیمه‌ها بازدید کرد به وی چنین گزارش داد که: «لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ» یعنی خیمه‌های اینان به سان لانه‌های زنبور است، همگی سرگرم دعا و تضرع و مناجات و تلاوت و نماز هستند. اکنون شما داوری کنید که اگر کسی بنشیند و بگوید که خیر! اینان آن شب عروسی داشته‌اند، اولاً: چه بیراهه رفته است و ثانیاً: چه بهانه‌ای به دست برخی بانوان عوام منتظر

چنین فرصت هایی داده تا به سرعت بساط عروسی و خنابندان به پا کنند و نهضت مقدس حسینی را که درس زندگی و حماسه برای همه بشریت در پهنه زمین و درازای زمان است به افسانه‌ای سمبلیک و عاشقانه بدل سازند!؟

۹. مقام مشک! مقام کشتی!

در سمت قبله حرم حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ماکت مشکی در وسط میدان ساخته شده که بنای آن مربوط به همین سنوات اخیر است و نمادی از عطش و آب و تشنه کامی است و سابقه ای در تاریخ گذشته این سرزمین ندارد. گرچه برادری این جا را هم به عنوان مقام مشک حضرت ابوالفضل(ع) معرفی کرده بود! و نیز کشتی بزرگی هم در سمت حرم امام حسین(ع) ساخته شده است، که گویا برداشتی سمبلیک از حدیث معروف «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» است و اگر به هوش نباشیم شاید تا چند روز دیگر مقام کشتی نیز به مقامات قبلی افزوده شود.

۱۰، ۱۱ و ۱۲. مقام علی اکبر(ع)، مقام علی اصغر(ع)، کف العباس(ع)

هیچ از خود پرسیده اید در آن گیر و دار روز عاشورا واقعاً چه کسی می‌توانست زمین کربلا را نشانه‌گذاری کند و حوادثی جزئی از این قبیل را معین سازد که حضرت علی اکبر(ع) کجا از اسب فرو غلتیده و حضرت علی اصغر(ع) کجا هدف تیر واقع شده و دست راست و دست چپ حضرت ابوالفضل(ع) هر کدام کجا روی زمین افتاده اند و اگر هم چنین نشانه‌گذاری صورت می‌گرفت، چگونه می‌توانست این نشانه‌های جزئی تا قرن‌ها باقی بماند و به ما منتقل شود، بدون آن که در هیچ متن تاریخی یا روایی به آن اشاره شده باشد و توسط کارشناسان و محققان معتبر و مطمئن مورد تصدیق واقع شده باشد؟ کدام یک از ما با چه دلیلی و با استناد به کدام مدرک اطمینان بخشی می‌توانیم مدعی شویم، اماکنی که امروز برای وقایع یاد شده معرفی می‌شوند، واقعاً محلّ دقیق وقوع آنها بوده است؟

البته این جا به دو نکته اساسی باید توجه داشت: یکی این که تصوّر نشود چنانچه امروز ما این موارد را با این وضوح نفی کنیم، فردا ممکن است مردم در اصل ماجرای عاشورا و کربلا؛ امام حسین(ع)؛ ابوالفضل(ع)؛ علی اکبر(ع) و... تردید کنند و همه چیز زیر سؤال برود. خیر، اولاً حادثه کربلا ریشه دار تر از آن است که با نفی چنین پدیده‌هایی متزلزل شود؛ ثانیاً این نوشته هرگز در صدد نیست که در اصل شهادت علی اکبر یا علی

اصغر یا قطع دستان مبارک قمر بنی‌هاشم (علیهم السلام) تردید کند؛ حاشا و کلاً!! چنان که تردیدی نیز وجود ندارد، در این که واقعاً این جنایات بزرگ در همین فضا و سرزمین تحقق یافته است. مدّعی ما فقط این است که تعیین مکان خاصی برای وقوع هر یک از این جنایات نیازمند دلیلی متقن و عقلانی است و چنین دلیلی مسلماً وجود ندارد.

گزارش وقایع محرم سال ۶۱ هجری در کربلا با همه جزئیاتش هم در متون تاریخی و هم در متون حدیثی و روایی شیعه آمده است. قدیم‌ترین گزارش تاریخی حوادث یاد شده مقتل ابی مخنف است که یک مؤرخ شیعی بوده و همین مقتل منبع گزارش حوادث کربلا در تاریخ معروف طبری است و دیگر مؤرخین تقریباً هرچه دارند، از طبری گزارش کرده‌اند. همچنین محدّثین بزرگواری در طول تاریخ هزار و چند صد ساله گذشته جزئیات همین حوادث را در معتبرترین آثار روایی خود بیان کرده‌اند، از قدیمی‌ها می‌توان ابن قولویه را نام برد و پس از وی به ترتیب شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی، و بعد از آنها سید بن طاووس صاحب اثر ماندگار لهوف و به دنبال او مرحوم مجلسی که با دقت و وسعت در بحارالانوار (عربی) و حیوة القلوب و جلاء العیون (فارسی) و غیر آنها رخداد کربلا را آورده‌اند. این اواخر هم محدّث بزرگ حاج میرزا حسین نوری طبرسی و شاگردش محدّث قمی صاحب نفس‌الهموم همین راه را طی کرده‌اند. اگر همه این آثار فخیم و گران سنگ را زیر و

رو کنید، در هیچ یک از آنها اشاره‌ای به مقام علی اکبر و علی اصغر نشده و نامی از محل قطع دست‌ها به میان نیامده است که اگر بود به یقین آن‌ها هم از آوردن گزارش آن دریغ نمی‌کردند.

این مقام‌ها یقیناً مربوط به همین چند دههٔ اخیر است که با نگاهی خوشبینانه باید گفت کسی که از صفای باطن برخوردار بوده اینها را معرفی کرده و اگر قدری واقع‌بینانه قضاوت شود، باید گفت که این‌گونه پنداشت‌ها ریشه در جهل جاهلان یا غرض‌ورزی مغرضان دارد.

آثار و پیامدهای ترویج و تبلیغ اماکن غیر مستند

از آثار منفی و وجود تالی فاسد بقای این سه چهار مقام غیر مستند، جلب توجه مردم به سوی آن‌ها و سلب توفیق زیارت و محرومیت از درک محضر امام حسین و ابوالفضل و علی اکبر (علیهم السلام) و دیگر شهدای والا مقام کربلاست و زمانی را که زائر صرف تردد بین این اماکن و تماشای آنها می‌کند، به همان اندازه از تشرف در صحن و حرم آن بزرگواران و زیارت قبور مطهر آنان محروم می‌شود. به طوری که پیامدهای منفی و زیانبار ترویج چنین اماکنی را می‌توان بدین شرح برشمرد:

(۱) رسمیت دادن به اماکن جعلی در حالی که آموزه‌های

دینی بر خلاف آن است؛

(۲) از بین بردن فرصت‌های ارزشمند زائر؛

۳) محروم شدن زائر از زیارت امام حسین (علیه السلام) و شهادی کربلا که هدف سفر است؛

۴) مزاحمت برای ساکنان اطراف این اماکن جعلی؛

۵) تزاخم و تصادم با نامحرم در گذرگاه‌های تنگ این اماکن؛

گویا سخن امام امیرالمؤمنین (ع) را از یاد برده ایم که تازیانه در دست در بازار کوفه قدم می‌زد و به مردم می‌فرمود: شنیده‌ام در بازار شانه‌های زنانان به شانه مردان نامحرم برخورد می‌کند! خدا لعنت کند مردی را که غیرت ندارد!^۱

۶) سوء استفاده سودجویان از اعتقادات مردم.

یکی از دوستان تعریف کرد که خانمی از همراهان ما وقتی چشمش به گهواره موجود در مقام جعلی علی اصغر (ع) افتاد، چند دقیقه بر مظلومیت آن حضرت گریست و ناگهان گردن‌بند و انگوها و گوشواره‌ها و همه جواهر آلات همراه خود را یک جا در گهواره انداخت و رفت. به راستی دست این سودجویان را چه کسی باز کرده است؟ آیا ما اگر این زائران عاشق را به این اماکن نمی‌بردیم چنین اتفاقی می‌افتاد؟ آیا عمل ما مورد تأیید سالار شهیدان است؟

شایسته است به عنوان یک تکلیف شرعی به جای بردن زائران ائمه معصوم (علیهم السلام) به این کوچه پس کوچه‌های

انحرافی از آنان بخواهیم تا با حضور در حرم‌های مطهر از خدای بزرگ کمال و معنویت را در حضور ارواح بلند آنان طلب کنند.

۱۳. اعمال خرافی در بین الحرمین

حدّ فاصل حرم امام حسین(ع) تا حرم حضرت ابوالفضل(ع) در گذشته بازاری به نام بین الحرمین بوده است. صدام در اواسط دوران حاکمیت خود این بازار و خانه‌های پشت آن را ویران کرد و به جای آنها خیابانی عریض با چند ردیف درختان نخل احداث نمود. این فضا که اکنون نیز بین الحرمین نامیده می‌شود، با توجه به چشم اندازهای زیبایی که در دو سوی خود دارد (گنبد و بارگاه امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع)) و نیز فضای سبز و درختان و آب‌ها بسیار قابل بهره‌برداری است، زائران می‌توانند در این محیط برنامه‌های مفید مذهبی از قبیل دعا و توسل و زیارت، مدّاحی و حتی سخنرانی داشته باشند. ولی باید هوشیار بود که عناصری جاهل یا مغرض در تلاش‌اند تا همین محیط خوب و مثبت را به خاستگاهی برای افکار خرافی و اعتقادات باطل تبدیل کنند. چنان که در ایام حج سال گذشته (۱۴۲۹) در کربلا افرادی مغرض یا نادان مردم را وادار می‌کردند تا هفت شوط (به عدد اشواط سعی بین صفا و مروه در حج) بین حرم امام حسین(ع) تا حرم حضرت ابوالفضل(ع) رفت و آمد کنند و احرام بپوشند و هروله کنند و

بگویند: **اللَّهُمَّ لَيْبِكْ؛ لَيْبِكْ يَا حُسَيْن!** ... نیک بیاندیشید که **اللَّهُمَّ لَيْبِكْ** را از حج گرفته‌اند و مخاطب آن خداست و **لَيْبِكْ** یا **حُسَيْن** را از پاسخ به ندای **هَلْ مِنْ نَاصِرٍ** امام حسین(ع) برداشته‌اند و مخاطب امام حسین(ع) است و اگر این دو شعار با هم آمیخته شود، چه آبرویی از شیعه می‌برد چه بسیارند دل‌های بیماری که آرزوی دست یافتن به چنین فرصتی دارند تا شیعه را متهم کنند و چه سرمایه‌ای باید هزینه شود تا آثار سوء این تهمت خنثی گردد؟!

جوانانی ناآگاه در این محیط به بهانه تأسی به چهره خاک‌آلود و خونین امام حسین(ع) در ظهر عاشورا خود را به زمین انداخته و صورت‌های خود را به خاک می‌ساییدند تا خونین شود! چهار دست و پا بر زمین راه می‌رفتند و وعو می‌کردند، با این توجیه غلط که ما سگ حسین و ابالفضلیم!! و معتقدند که اهل بیت از اصحاب کهف که کمتر نیستند. آنها سگشان را هم با خود بردند و عاقبت به خیرش کردند، چرا این‌ها نکنند؟!

۱۴. سنگ قرمز بالای سر مبارک امام حسین(ع)

در سمت سر مقدس امام حسین(ع) و در کنار ضریح مطهر سنگ قرمزی بر زمین نصب شده که جمعیت بر آن ازدحام

می‌کنند و نوبت می‌گیرند تا روی آن بایستند و نماز بخوانند. در باره تاریخ و ماهیت این سنگ، متولیان حرم امام حسین (علیه السلام) می‌گویند، زمانی که هنوز حائل میان زنان و مردان در این مکان نصب نشده بود و خیل زائران، مشتاق بودند که در سمت بالای سر مبارک امام (ع) نماز بخوانند، گاهی به خاطر ازدیاد جمعیت و عدم توجه، زائران به تدریج جلو می‌رفتند به حدی که جلو تر از قبر مطهر به نماز می‌ایستادند و مراجع عظام تقلید برای نماز در حرم امامان معصوم (علیهم السلام) حدی قائل اند و نماز مقدم بر امام را برخی صحیح نمی‌دانند، لذا این سنگ قرمز به عنوان نشانه محاذات، نصب شد؛ یعنی این که این جا برابر بدن مبارک امام (ع) است و از این قدری عقب تر بایستند. به زودی تمام سنگفرش حرم مطهر تعویض می‌شود و این سنگ نیز برداشته خواهد شد.

داستان‌هایی که برای این سنگ و قرمزی آن و فضیلت نماز بر روی آن ساخته شده و چه بسا از این پس نیز ساخته شود، کاملاً بی‌اساس است!!